**«در محضر مرجعیت»**

**سلسله جلسات علمی حضرت آیت الله العظمی شیرازی دام ظله در ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 (جلسه هفدهم)**

هفدهمین نشست علمی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله در شب های ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 با حضور جمعی از شخصیت های علمی، نمایندگان مراجع عظام تقلید، فعالان دینی و فرهنگی و طلاب علوم دینی، در شامگاه روز دوشنبه شانزدهم رمضان المبارک ۱۴۴6 در بیت مرجعیت شهر مقدس قم برگزار شد.

مشروح مباحث مطرح شده در این نشست به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، وله الحمد

پرسش: دلیل قاعده «تسامح در ادله سنن» چیست؟

پاسخ: دلیل این قاعده روایات متعدد می‌باشد که در این زمینه از ائمه معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است. یکی از روایات قاعده تسامح در ادله سنن، صحیحۀ هشام بن سالم است که بر همۀ مبانی مختلف رجالی، معتبر است. صحیحۀ هشام بن سالم از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند: «مَن بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَ إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمْ يَقُلْهُ» (وسائل الشیعة، ج1، ص81، باب 18، ح3). همچنین، صحیحۀ دیگری از هشام بن سالم از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْ‏ءٍ فَصَنَعَهُ كَانَ لَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ» (همان، ص82، ح6).

سند روایت اول به جمیع مبانی صحیح است و خدشه‌ای در آن نیست. سند روایت دوم نیز به جمیع مبانی معتبر است، تنها بر مبنای آن‌هایی که (ابراهیم بن هاشم) را ثقه نمی‌دانند، روایت حسنه است. البته به نظر می‌رسد همان‌طور که جماعتی فرموده‌اند، (ابراهیم بن هاشم) نیز ثقه بوده و سند روایت صحیح است.

و بنابر مشهور فقها، این روایات دلالت بر استحباب دارد نه صِرف استحقاق ثواب.

ممکن است گفته شود: در این روایات بیان نشده است که آن فعل مستحب می‌شود، بلکه بیان شده است که به کسی که این فعل را انجام دهد ثواب اعطاء می‌شود و این دلالت بر مستحب بودن آن فعل ندارد.

در پاسخ گفته می‌شود: بنابر مبنای جبر و کسر دلالی که مشهور فقها عملاً در فقه به آن پایبند شده‌اند، می‌توان گفت با توجه به عمل فقها به این روایت درباره قاعده «تسامح در ادله سنن»، اگر دلالت روایت قصوری هم داشته باشد، با عمل فقها این قصور دلالت جبر می‌شود.

پرسش: در ماه رمضان، آیا شخصی که می‌داند اگر بخوابد، در خواب محتلم می‌شود، جایز است که اختیاراً بخوابد؟

پاسخ: به نظر می‌رسد همان‌گونه که مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «إذا علم من نفسه أنه لو نام في نهار رمضان يحتلم فالأحوط تركه و إن كان الظاهر جوازه خصوصا إذا كان الترك موجبا للحرج» (العروة الوثقی، ج3، ص20/ فصل في ما یجب الإمساک عنه، م14). البته این مسأله اختلافی است و تعدادی از فقها، از جمله مرحوم والد (حضرت آیت‌الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی)، مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، و مرحوم آیت‌الله العظمی سید احمد خوانساری رضوان الله تعالی علیهم اجمعین، احتیاط استحبابی را تبدیل به احتیاط وجوبی کرده‌اند (العروة الوثقی و التعلیقات علیها، ج10، ص74، فصل فيما یجب الإمساک عنه، م14).

دلیل اینکه عده‌ای از فقها بیان کرده‌اند، این است که یکی از مفطرات روزه، اصباح جنبا به صورت اختیاری می‌باشد و کسی که یقین دارد اگر بخوابد، جنب می‌شود، در حقیقت با اختیار خودش دارد إصباح جنبا را انجام می‌دهد. قاعده لاضرر و لاحرج رافع حکم تکلیفی می‌باشد و رافع حکم وضعی نیست.

اما مشهور فقها که بیان کرده‌اند خوابیدن چنین شخصی اشکال ندارد و خللی به روزه‌اش وارد نمی‌کند، به نظر صحیح می‌رسد، زیرا فرض سؤال از اصباح جنبا و استمنا که از مفطرات برشمرده شده است، منصرف است. پس دلیل بر نهی از این کار وجود ندارد و لااقل اینکه شک می‌شود که آیا ادله بطلان روزه نسبت به کسی که إصباح جنبا می‌کند یا استمنا می‌کند، نسبت به هم جاری است یا خیر؟ بعد از شک بین أقل و اکثر، أخذ به أقل که قدر متیقن است، می‌شود.

پرسش: بچه‌ای که از جماع پدر و مادر در حال إحرام به وجود می‌آید، آیا حکم حرام زاده را دارد؟

پاسخ: چنین شخصی حلال زاده است و تمامی احکام حلال زاده از قبیل قبول شهادتش نزد قاضی را دارد.

پرسش: اگر شخصی آمپول زد و سوزن آمپول بدون اینکه خونی بر آن باقی مانده باشد از بدن خارج شود، آیا این سوزن نجس است؟

پاسخ: این مسأله اختلافی است و تعدادی از علماء، از جمله مرحوم والد (حضرت آیت‌الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی رضوان الله تعالی علیه) همچون مرحوم صاحب عروه بیان فرموده‌اند که اگر علم به ملاقات سوزن با خون دارد، این سوزن بنابر احتیاط واجب نجس می‌شود، زیرا با نجاست ملاقات داشته و اکنون متنجس است و باید تطهیر شود. اما مشهور فقها بیان کرده‌اند که این سوزن متنجس نشده است و نیاز به تطهیر ندارد، زیرا خون مادامی که داخل بدن باشد، نجس نیست و آن خونی که نجس است، آن است که از بدن بیرون آمده باشد.

مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «إذا غرز إبرة أو أدخل سكينا في بدنه أو بدن حيوان فإن لم يعلم ملاقاته للدم في الباطن فطاهر و إن علم ملاقاته لكنه خرج نظيفا فالأحوط الاجتناب عنه» (العروة الوثقی، ج1، ص72/ فصل م12). البته اینکه می‌فرماید: «بدن حیوان»، به نظر می‌رسد هر حیوانی که طاهر العین باشد، ولی خونش نجس باشد، این حکم را دارد، نه مانند سگ و خوک، و همچنین نه مانند ماهی. همچنین اینکه می‌فرماید: «فالأحوط الاجتناب عنه»، به نظر می‌رسد طهارت بعید نباشد.

پرسش: آیا با آب دریا که بسیار شور است و یا بعضی از آب‌های رودخانه‌ها که مقداری گل‌آلود هستند، می‌توان وضوء گرفت؟

پاسخ: در دلیل جواز وضوء با آب وارد شده است که آب باید مطلق باشد و مضاف نشده باشد و اینگونه آب‌ها تا زمانی که به آن‌ها آب اطلاق می‌شود، می‌توان با آن‌ها وضوء گرفت و هرچقدر هم شور و یا گل‌آلود باشد از اطلاق آب خارج نمی‌شود، زیرا آب نامیدن آن‌ها نزد عرف ملاک می‌باشد. بله، اگر آب شیرینی وجود داشت که مقداری نمک در آن ریخته شد و به این سبب شور شد و به آن آب نمک گفتند، در این صورت این آب تبدیل به مضاف شده و نمی‌توان با آن وضوء گرفت.

پرسش: صاحب عروه در ذکر مواردی که رخصت در روزه نگرفتن دارند، برای مرضعه قید قلیلة اللبن و برای حامل قید مقرب را آورده است (ر.ک: العروة الوثقی، ج3، ص64)؛ آیا این قید لازم است؟

پاسخ: به نظر می‌رسد که این دو قید لازم نیست، بلکه مطلق مرضعه که روزه برای خودش یا فرزندش ضرر داشته باشد، همچنین مطلق حامل که اگر روزه برای خودش یا حمل در شکم او ضرر داشته باشد، روزه نمی‌گیرند و بدل از هر روز یک مد طعام می‌دهند. پس اگر روزه را تا قبل از ماه رمضان سال آینده نتوانستند قضا کنند، یک مد طعام دیگر می‌دهند و قضای روزه از ایشان ساقط است.

پرسش: آیا در مسجد سهله، شخص مسافر مختار است که نمازش را قصر یا کامل به جا بیاورد؟

پاسخ: در زمان‌های گذشته، شهر کوفه وسیع بوده و مسجد سهله نیز جزء شهر کوفه بوده است، همان‌گونه که در برخی از روایات نیز به این مطلب اشاره شده است (ر.ک: وسائل الشیعة، ج5، ص249، باب 43، ح1 و ص267، باب 49، ح5). همچنین برخی از فقها، همچون مرحوم علامه حلی، به این مطلب تصریح کرده‌اند. ایشان می‌فرماید: «و يستحب قصد مسجد السهلة بالكوفة» (نهایة الإحکام، ج1، ص354). سپس شهر کوفه کوچک‌تر شد و مسجد سهله خارج از شهر کوفه قرار گرفت، و امروزه - آنگونه که نقل کرده‌اند - دوباره به جهت توسعۀ شهر کوفه، جزء شهر کوفه محسوب می‌شود. بنابراین نماز در مسجد سهله در حکم شهر کوفه است و مسافر در قصر یا تمام خواندن نماز مخیر است.

پرسش: آیا می‌توان عبادات استیجاری یک مؤمن را یک شخص غیرشیعه به جا بیاورد؟

پاسخ: با توجه به اینکه مشهور فقها بیان کرده‌اند که ایمان (به معنای ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام را داشتن) شرط صحت عبادت است نه قبول عبادت، یک شخص غیرمؤمن نمی‌تواند أجیر شود و عبادات یک مؤمن را به جا بیاورد. لازم به ذکر است نماز خواندن یک شیعه از جانب غیرشیعه نیز فایده‌ای برای او ندارد. بله، اگر آن غیرشیعه، شیعه بشود، به جهت قاعدۀ جبّ ایمان، همچون جبّ اسلام، «الإیمان یجبّ ما قبله»، پس عباداتی که از او قضا شده، نیاز به قضا کردن ندارند.

پرسش: شخصی سهوا با زنی که در عده بوده ازدواج کرده است و بعد از فهمیدن، از یکدیگر جدا شده‌اند. آیا الان راهی وجود دارد که شرعاً زن و شوهر بتوانند بشوند؟

پاسخ: مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «إذا زنا بذات بعل دواما أو متعة حرمت عليه أبدا ‌فلا يجوز له نكاحها بعد موت زوجها أو طلاقه لها أو انقضاء مدتها إذا كانت متعة و لا فرق على الظاهر بين كونه حال الزنى عالما بأنها ذات بعل أو لا كما لا فرق بين كونها حرة أو أمة و زوجها حرا أو عبدا كبيرا أو صغيرا و لا بين كونها مدخولا بها من زوجها أو لا و لا بين أن يكون ذلك بإجراء العقد عليها و عدمه بعد فرض العلم بعدم صحة العقد و لا بين أن تكون الزوجة مشتبهة أو زانية أو مكرهة نعم لو كانت هي الزانية و كان الواطئ مشتبها فالأقوى عدم الحرمة الأبدية و لا يلحق بذات البعل الأمة المستفرشة و لا المحللة نعم لو كانت الأمة مزوجة فوطئها سيدها لم يبعد الحرمة الأبدية عليه و إن كان لا يخلو عن إشكال و لو كان الواطئ مكرها على الزنى فالظاهر لحوق الحكم و إن كان لا يخلو عن إشكال أيضا‌» (العروة الوثقی، ج4، ص304/ م19).

و همچنین می‌فرماید: «إذا زنا بامرأة في العدة الرجعية حرمت عليه أبدا‌ دون البائنة و عدة الوفاة و عدة المتعة و الوطي بالشبهة و الفسخ و لو شك في كونها في العدة أو لا أو في العدة الرجعية أو البائنة فلا حرمة ما دام باقيا على الشك نعم لو علم كونها في عدة رجعية و‌ شك في انقضائها و عدمه فالظاهر الحرمة خصوصا إذا أخبرت هي بعدم الانقضاء و لا فرق بين أن يكون الزنى في القبل أو الدبر و كذا في المسألة السابقة‌» (العروة الوثقی، ج4، ص304/ م20). البته در هر دو موضع اینکه ایشان فرموده: «حرمت عليه أبداً»، به نظر می‌رسد بنابر احتیاط وجوبی است. چون که مسئله مبتنی بر احتیاط وجوبی است، پس اگر فقیه جامع الشرایطی در این مسأله فتوی داده باشد، مقلدین می‌توانند به آن فقیه رجوع کنند.

پرسش: مردی بدون عذر شرعی روزه نمی‌گیرد. آیا زوجه‌اش می‌تواند صبحانه و نهار آن غذا تهیه کند؟

پاسخ: اگر این شخص بدون هیچ عذر شرعی از روزه گرفتن امتناع می‌کند و روزه نمی‌گیرد، همان‌گونه که فقها فرموده‌اند: بر همسرش جایز نیست برای او غذا تهیه کند. ممکن است گفته شود: اگر تهیه نکردن غذا برای شوهر باعث طلاق شود، باز هم همین حکم را دارد؟ در پاسخ گفته می‌شود: در این صورت تزاحم واقع می‌شود و با توجه به حالات افراد، احکام در این صورت مختلف می‌شود و باید هر موردی را به صورت جداگانه بررسی کرد.

پرسش: شخصی مشغول نماز واجب می‌باشد و یکی از والدینش صدایش می‌کند. آیا جایز است نماز را بشکند و جواب والدین را بدهد؟

پاسخ: بنابر مشهور فقها، در هنگام نماز واجب حق ندارد نماز خود را برای پاسخ به والدین بشکند، اگرچه در روایتی از امام کاظم علیه‌السلام در خصوص پاسخ به مادر اجازه داده شده: «إنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَانَ فِي الصَّلَاةِ فَدَعَاهُ الْوَالِدُ فَلْيُسَبِّحْ فَإِذَا دَعَتْهُ الْوَالِدَةُ فَلْيَقُلْ لَبَّيْكِ» (وسائل الشیعة، ج7، ص256، باب 9، ح7)، ولی فقها از این روایت اعراض کرده‌اند. مرحوم علامه مجلسی در ذیل این حدیث می‌فرماید: «قوله علیه السلام: “إذا دعاه الولد”، لم أظفر به في كلام الأصحاب» (ملاذ الأخیار، ج4، ص556). همچنین مرحوم آقا جمال خوانساری می‌فرماید: «و لم أر في كلامهم التعرّض لاستثناء ذلك من الكلام و يشكل ذلك بمجرد هذه الرواية سيّما مع جهالة بعض رواتها» (التعلیقات علی الروضة البهیة، ص236). البته مرحوم صاحب جواهر روایت را حمل بر نماز نافله می‌کند، پس می‌فرماید: «محمول على النافلة بناء على جواز قطعها، أو على غير ذلك» (جواهر الکلام، ج11، ص44).

پرسش: منظور از آیۀ شریفۀ: ﴿ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ \* وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ چه کسی می‌باشد؟

پاسخ: مرحوم علامه مجلسی دو روایت در این زمینه نقل می‌کند:

1ـ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فُرَاتٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه‌السلام فِي هَذِهِ الْآيَةِ «ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ» ابْنُ آدَمَ الَّذِي قَتَلَهُ أَخُوهُ وَ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ وَ حَبِيبٌ النَّجَّارُ صَاحِبُ يَسَ وَ «قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام (بحار الأنوار، ج35، ص333، باب 12، ح7).

2ـ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ ثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ» قَالَ «ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ» مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ «وَ ثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ» عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام (همان، ح8).

پرسش: با توجه به روایت که از رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده است: «إِذَا اسْتَهَلَّ رَمَضَانُ غُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ وَ فُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجِنَانِ وَ صُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ» (بحار الأنوار، ج93، ص348/ الباب 46، ح14)، آیا باید در ماه رمضان فعل حرامی صورت نگیرد؟ ولی باز هم در ماه رمضان شاهد معاصی مختلفی هستیم؟

پاسخ: همان‌گونه که فقها بیان می‌کنند، این قضایا طبیعی هستند و سور ندارند و مهمله می‌باشند. به این معنا که طبیعت ماه رمضان به این صورت می‌باشد، همان‌طور که در آیه شریفه قرآن کریم بیان شده است: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقرة / 183) که طبیعت روزه گرفتن باعث می‌شود انسان متقی شود. ولی اگر شخص فاسدی روزه گرفت، صرف روزه گرفتن باعث متقی شدن این شخص فاسد نمی‌شود.

پرسش: در برخی از روایات، همچون روایتی از امام جواد علیه‌السلام آمده است: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ إِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَ إِنَّ لِذَلِكَ الْأَمْرِ وُلَاةً بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله» (الکافي، ج1، ص247، ح2 وص533، ح11)، مقصود از امر السنة در این روایات که شب قدر به امام معصوم علیه‌السلام می‌دهند، چیست؟

پاسخ: کلمه «شیء» عام است و عام‌تر از کلمه «شیء»، کلمه «أمر» می‌باشد و در بعضی از کتب لغت بیان شده است که عام‌ترین کلمه موجود در زبان عربی، کلمه «أمر» می‌باشد و به این معنا است که هرچه مرتبط است به آن سال را نزد امام معصوم علیه‌السلام می‌برند.